

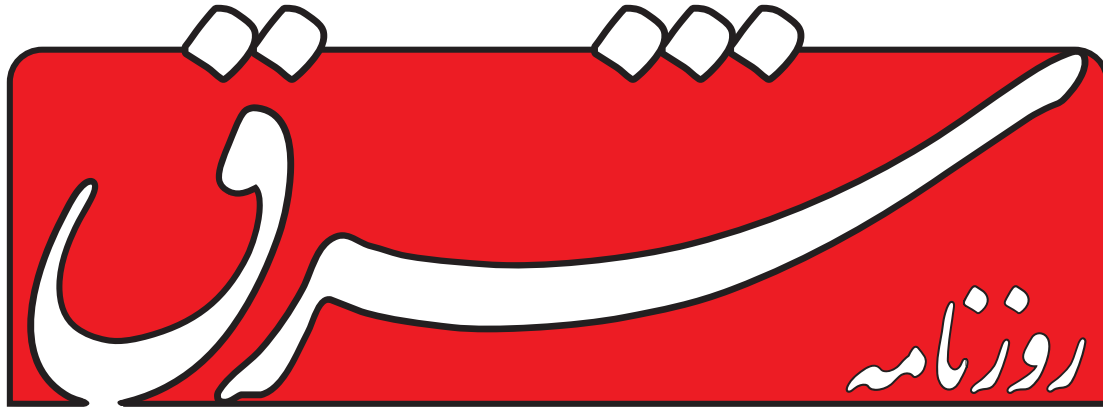


اسحاق جهانگیری:
به خدا
پناه می‌برم

گروه سیاست: اسحاق جهانگیری در بیانیه‌ای اعلام کرد که به خدا پناه می‌برم و عدم احراز صلاحیت بسیاری از شایستگان را تهدیدی جدی برای مشارکت همگانی و رقابت عادلانه گرایش‌ها و جریان‌های سیاسی به‌ویژه اصلاح‌گرایان می‌دانم...

صفحه ۸

چهارشنبه ۵ خرداد ۱۴۰۰ • ۱۴ شوال ۱۴۴۲ • ۲۶ می ۲۰۲۱



گفت‌وگو با زهرا شجاعی
می‌گویند مگر می‌شود یک زن
رجل سیاسی باشد؟



گروه جامعه: روز قبل از این مصاحبه، فضا جور دیگری بود. قرار به ردصلاحیت‌های گسترده نبود و هنوز اصلاح‌طلبان در شوک فرو نرفته بودند. صبح روز سه‌شنبه، در حالی که منزل زهرا شجاعی رفتیم که تصورش این بود که...

صفحه ۹

سال هجدهم • شماره ۴۰۱۱ • ۱۲ صفحه • ۷۰۰۰ تومان

ویژه معدن



تیرها

اصولگرایان هم شوکه شدند

آغاز فصل مقلدین سیاسی

صفحه ۲

واکنش تند

عضو شورای نگهبان به
عملکرد شورای نگهبان

صفحه ۲

اسلحه پنهان تیم ملی
از انگلیس می‌آید

صفحه ۱۱

حرف اول

کار عجیب شورای نگهبان

علیرضا غریب‌دوست



روز گذشته لیستی از اشخاص احرازصلاحیت‌شده از سوی شورای نگهبان برای کاندیداتوری ریاست‌جمهوری به وزارت کشور ارسال شد که به نظر می‌رسد...

پیشاپیش نتیجه انتخابات را نمایان کرده است. از لیست، سه نفر در جریان رقابت‌های انتخاباتی همسو و همراه آقای رئیسی خواهند بود و سه نفر دیگر اگر آقای رئیسی را در طول رقابت همراهی نکنند، مانعی برای توفیق ایشان در کسب جایگاه ریاست‌جمهوری ایجاد نخواهند کرد. آنچه حیرت‌انگیز است، عملکرد شورای نگهبان در عدم احراز صلاحیت شخصیت‌هایی است که به نظر می‌رسد همواره در چارچوب حرکت کرده‌اند. این ترکیب، به نظر نگارنده، بیش از آنکه لیست افراد احرازصلاحیت‌شده باشد، اعلام نتیجه انتخابات، پیش از برگزاری است. می‌دانیم که احراز صلاحیت‌ها با رای‌گیری در میان ۱۲ عضو شورای نگهبان صورت می‌گیرد و هرکس حداقل هفت رای را به دست آورد، مورد تأیید خواهد بود. اینجا چند نکته و سؤال جدی مطرح است. علت مبسوط‌الیدبودن اعضای شورای نگهبان در تصمیم‌گیری این نیست که به هیچ مرجعی پاسخ‌گو نیستند؟ هیچ مرجعی وجود ندارد که از شورای نگهبان بی‌رسد مبنای شما برای این لیست چه بوده است؟ مطمئن هستم سخنگو و قائم‌مقام محترم دبیر شورای نگهبان، استاد ارجمند جناب آقای دکتر کدخدایی، گرچه بشخصه ناممکن است در مواردی در تصمیم‌گیری موافق نباشد، اما ادگی دارد برای هرکدام از افرادی که صلاحیت احراز آنها نشده، فرد به فرد علت عدم احراز را توضیح دهد؛ همان‌گونه که همواره از عملکرد و شأن شورای نگهبان دفاع کرده است. اما آنچه نگارنده از «بان بدن» دکتر کدخدایی در گفت‌وگوی عصر دیروز با صداوسیما و در ضمن اعلام پایان بررسی‌ها، ادراک کرد و با شناختی که از نقدپذیری و منطقی‌بودن او دارد، بر این باور است که خود این استاد حقوق دانشگاه تهران نیز توضیحی منطقی برای چنین لیستی ندارد! اگرچه می‌توان حدس زد و درک کرد که چرا مصطفی تاج‌زاده، عباس آخوندی، محمود صادقی، محسن هاشمی، اسحاق جهانگیری، مسعود پزشکیان، محمد شریعتمداری، مصطفی کواکبیان، محسن رهامی یا شخصیتی همچون علی مطهری را اعضای شورای نگهبان برای تصدی مسئولیت ریاست‌جمهوری مناسب تشخیص ندادند، اما عدم احراز صلاحیت دکتر علی لاریجانی نغزها برای تحلیلگران، بلکه به نظر بنده برای سخنگوی محترم شورای نگهبان نیز چندان قابل تبیین نیست.

ادامه در صفحه ۴

نتیجه بررسی صلاحیت‌ها در انتخابات از حذف اصلاح‌طلبان از عرصه سیاسی حکایت دارد

بدرود اصلاحات؟



این هفت نفر

شورای نگهبان اسامی نامزدهای تأیید صلاحیت شده را اعلام کرد

صفحه ۸

یادداشت

برجام و دموکرات‌ها؛ فرصتی برای مدیریت دشمنی



غلامرضا حداد
عضو هیئت علمی دانشگاه

۳- مسئله دشمنی جمهوری اسلامی با آمریکا، دائمی است: هویت جمهوری اسلامی در فرهنگی تعارضی و در قالبی دگرمحور مبتنی بر دشمنی با آمریکا - استکبار جهانی - بنا شده است و این قاعده تکوینی همه قواعد تنظیمی و هنجارهای ساختار معنایی جمهوری اسلامی را شکل داده و به تبع آن سلسله مراتبی از اقتدار سیاسی در درون جمهوری تغییرناپذیری است؛ به عبارت دیگر این دشمنی به یک جبر ساختاری بدل شده که با تصمیم کارگزاری تغییریافتنی نخواهد بود. میزان دسترسی به منابع تخصصی و اقتداری در درون این ساختار تابعی مستقیم از میزان تعهد به قاعده تکوینی استکبارستیزی است و هر شکلی از تعدیل یا تغییر در این قاعده می‌تواند به جابه‌جایی‌هایی در سلسله مراتب اقتدار بینجامد که قطعاً به مقاومت‌های عملی از سوی طرفداران وضع موجود خواهد انجامید. علاوه بر نقش محوری به‌عنوان دگر هویت‌ساز، آمریکا سرشار از ظرفیت برای فراقتنی ناگامی‌ها و ناکامی‌ها بوده است. هرچه دولت در تولید کالاهای عمومی و ارائه خدمات رفاهی به شهروندان ناتوان‌تر و ناکام‌تر بوده، نقش توطئه استکبار جهانی و متقابلاً بر دشمنی با آن تأکید بیشتر کرده است. کنش متقابل و اقدامات آمریکا نیز در تثبیت این دشمنی مؤثر بوده و دال بر تأیید و تصدیق دشمنی جوهری آمریکا با ایران در نظر گرفته شده است؛ از جمله محور شرارت خواندن ایران از سوی بوش پسر در مقابل همکاری محدود ایران با آمریکا در جنگ‌های افغانستان و عراق و خروج یک‌جانبه ترامپ در مقابل همراهی ایران با آمریکا در برجام. در هر دو مورد که از سوی یک دولت جمهوری خواه اتفاق افتاد، بخش‌هایی در داخل ایران که خواستار تعدیل دشمنی‌ها بودند، به‌شدت تضعیف شدند. در این موضوعات ما اسیر فرایند «هویتیابی فراکتانه» نیز شده‌ایم و با همان قواعدی بازی کردیم که آمریکا پیش نهاده است. به‌عنوان مثال پس از اینکه بوش ایران را محور شرارت خواند، سیاست خارجی ایران به ایفای همان نقش و هویتی پرداخت که آمریکا برایش ساخته بود.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

ارقام نجومی، اطلاع‌رسانی اندک!



حسین حتکو
کارشناس اقتصادی

در روزهای اخیر و در بحبوحه انتخابات، تفاهم‌نامه‌ای به ارزش ۳۰۰ هزار میلیارد تومان بین وزارت صمت و پنج شرکت بزرگ (مس، گل‌گهر، گهرزمین، زر ماکارون، ایران‌رادیاتور) به امضا رسید. تفاهم‌نامه‌ای که در چارچوب «اقتصاد مقاومتی» و در ادامه تفاهم‌نامه قبلی به ارزش ۱۵۲ هزار میلیارد تومان است که آن هم با پنج شرکت دیگر (چادملو، ماشین‌سازی، اراک، آلومینیوم المهدی، نفت سپاهان، شیرین‌عسل) در اسفندماه به امضا رسیده بود. یعنی در مجموع ۴۵۰ هزار میلیارد تومان یا ۲۲ تا ۲۳ میلیارد دلار تفاهم‌نامه سرمایه‌گذاری در حدود دو تا سه ماهه در بزرگی این رقم کافی است بدانیم که کل بودجه عمرانی کشور در سال جاری حدود ۱۲۰ هزار میلیارد تومان است. همچنین این رقم تقریباً بیش از یک‌سوم بودجه جاری امسال کشور است. رقم ۴۵۰ هزار میلیارد تومان تفاهم‌نامه برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های معدن و صنایع معدنی و غذایی و پتروشیمی... در شرایطی است که کل سرمایه‌گذاری در کشورمان در سال ۱۳۹۸ کمتر از صد هزار میلیارد تومان (به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰) بوده که ۷۶ هزار میلیارد تومان آن توسط سهم بخش خصوصی انجام شده بود.

ادامه در صفحه ۸

یادداشت

اشغال سیونیک محکوم و مردود است



امیر مهرداد میرسنجری*

در کمتر از پنج ماه پس از پایان جنگ ۴۴ روزه قره‌باغ، در روزهای اخیر، شاهد نقض مرزهای رسمی شناخته‌شده بین‌المللی ارمنستان به‌دست گروه‌های نظامی باکو در عمق ۳۰۵ کیلومتری مرزهای استان سیونیک بوده‌ایم که این حرکت، برخلاف قوانین شناخته‌شده و حقوق بین‌الملل، نه‌تنها اقدامی است تجاوزکارانه علیه یک کشور عضو سازمان ملل، بلکه زنگ خطری است جدی برای ایران که به‌طور مستقیم امنیت ملی و تمامیت سرزمینی ایران را هم در معرض تهدید قرار داده است. ۱- ایران با داشتن مرز مشترک با ۱۵ کشور، در مقام سوم جهان پس از کشورهای پهناروسیه و چین قرار دارد که در این میان مرز ایران و ارمنستان به طول ۴۵ کیلومتر، کوتاه‌ترین و در عین حال، امن‌ترین مرز ایران است که به مرز صلح و دوستی مشهور شده است. مرز ایران با استان سیونیک ارمنستان، به‌عنوان تنها مرز اتصال ارمنستان به خلیج‌فارس و قاره آسیا، به‌عنوان بدیل راهگذر ایران به اروپا از طریق ترکیه محوره تحت تأثیر روابط پرنوسان و ناپایدار دو کشور قرار دارد، تنها راهگذر اتصال امن و بی‌دردسر ایران به گرجستان و دریای سیاه و اروپا محسوب می‌شود.

ادامه در صفحه ۴

سرمقاله

داستان از خودبیگانگی ما

حمزه نوذری . جامعه‌شناس و استاد دانشگاه



از نظر مارکس بیگانگی به این معنا است که کارگر هرچه بیشتر محصول تولید می‌کند، کمتر صاحب آن می‌شود و بیشتر زیر نفوذ محصول خود یعنی سرمایه قرار می‌گیرد. رابطه کارگر با محصول کارش رابطه با شیء بیگانه است؛ زیرا براساس این فرض مشخص است که هرچه کارگر بیشتر در کارش تلاش می‌کند، جهان عینی بیگانه‌ای می‌آفریند که ضد خودش قدرتمندتر می‌شود. بیگانگی کارگر از محصولش نه‌تنها به معنای آن است که کارش به یک شیء و یک وجود بیرونی بدل شده است؛ بلکه به این معنا نیز هست که کارش بیرون از او، مستقل از او و بیگانه با او وجود دارد و مانند قدرتی مستقل در مقابل او قرار می‌گیرد. وود یکی از شارحان مارکس بیگانگی را هم به منزله فقدان حس معنا و هم به منزله فقدان حس خودارزشمندی بیان کرده است. اگر من درون خودم چندان چیز با قدر و ارزشی نیابم، برای من خیلی سخت خواهد بود که معنایی واقعی یا هدفی جدی در زندگی‌ام ببینم. برعکس، اگر زندگی‌ام را تهی از معنا احساس کنم، برای من دشوار خواهد بود که ارزشی والا بر خودی که زندگی‌اش این است، بنهم. از نظر وود، مارکس از خودبیگانگی را به معنای فقدان معنا یا خودارزشمندی توصیف می‌کند. کارگران در مناسبات اجتماعی سرمایه‌داری محروم از محتوای زندگی واقعی و بی‌ارزش و منزلت‌رهاشده هستند؛ چراکه فعالیت کاری آنان فقط وسیله‌ای برای هستی آنان می‌شود. علت نظام‌مند این امر که مردم در جامعه بورژوازی نمی‌توانند احساس معنا یا خودارزشمندی را حفظ کنند، آن است که آنان خود را در وضعیتی می‌یابند که نیازشان به خودفعلیت‌بخشی برآورده نمی‌شود و نمی‌توانند قابلیت‌های ذاتی انسانی‌شان را پرورش دهند و به کار گمارند. پس از خودبیگانگی که مارکس در جامعه سرمایه‌داری می‌یابد وضعیت ناتوانی فعلیت‌بخشیدن به خود و ناتوانی پروراندن و به‌کارگرفتن قوای متعلق به ذات انسانی خود است. این به آن معنی است که آیا زندگی من قوا و استعدادهایی را که به طور عینی، در ذات انسانی من حضور دارد، فعلیت می‌بخشد؟ قوا و استعدادهایی که به طور عینی، در انسان وجود دارد و چون به فعلیت نرسند، انسان حس بامعنا و خودارزشمندی ندارد. کار بنیادی‌ترین سرشت انسان و جامعه انسانی است؛ پس خودفعلیت‌بخشی و به‌کارگیری استعدادها و شکوفایی سرشت انسانی در کار و تولید نهفته است؛ اما در دنیای سرمایه‌داری کارگران هنگامی احساس راحتی می‌کنند که کار نکنند و فقط هنگامی کار می‌کنند که مجبور باشند. فعالیت کاری برآوردن یک نیاز نیست؛ بلکه صرفاً وسیله‌ای است برای برآوردن نیازهایی که نسبت به آن فعالیت بیرونی است. عشق از خودبیگانگی کارگران و بی‌معنایبودن زندگی آنها از همه بیشتر با این واقعیت اثبات می‌شود که بیشتر ساعت‌های بیداری زندگی خود را صرف کار شاقی ضعیف‌کننده می‌کنند، صرفاً برای آنکه لوازم اساسی بقای جسمانی را فراهم کنند. چیزی در این زندگی وجود ندارد تا تلاشی را که برای به‌دست‌آوردن این وسیله ضروری است، معنا دهد؛ بنابراین چنین زندگی سختی برای مرد با زنی که آن را سپری می‌کنند، زندگی تباه‌شده‌ای است. انسان در چنین جامعه‌ای از خود، هم‌نوعان، کار و جامعه بیگانه می‌شود و احساس الف) بی‌قدرتی (ب) بی‌معنایی (ج) انزوا (د) بی‌بازی از خود می‌کند. مناسبات اجتماعی و تنظیمات اجتماعی در دنیای سرمایه‌داری مانع بزرگی بر سر راه کارگران در فعلیت‌بخشی به ذات انسانی خودشان است.

ادامه در صفحه ۴

روزنامه شرق منتشر کرد

جامع‌ترین تقویم
فرهنگ، هنر و رسانه

همراه با ۱۰۰ عکس - رویداد مهم قرن

قیمت: ۶۰ هزار تومان

تلفن سفارش: ۸۸۹۰۳۵۴۸



سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

۸۶۰۳۶۱۱۹

ادامه در صفحه ۲